

علی عبدالرازق

اسلام و مبانی قدرت

ترجمہ امیر رضائی

فهرست

یادداشت مترجم ۷
دیباچه ۱۱

اسلام و مبانی قدرت

معرفی ۵۹
پیشگفتار ۶۳

دفتر اول: خلافت و اسلام ۶۷
ماهیت خلافت ۶۹
جایگاه خلافت ۸۱
خلافت از دید اجتماعی ۹۰

دفتر دوم: اسلام و حکومت ۱۱۱
قدرت در عصر نبوت ۱۱۳
پیامبری و قدرت ۱۲۱
پیامبری، نه حکومت؛ دین، نه دولت ۱۳۷

دفتر سوم: خلافت و حکومت در تاریخ ۱۵۷
اعراب و مجموعه دینی ۱۵۹
دولت عربی ۱۶۸
خلافت اسلامی ۱۷۳

پیوست: ایرادها و پاسخها ۱۸۳
کیفرخواست صادره توسط هیئت علمای کبار الازهر ۱۸۵
متن پاسخ به هفت ایراد هیئت علمای کبار الازهر ۱۸۷
مأخذ کتاب ۱۹۹
کتاب‌شناسی علی عبدالرازق ۲۰۱

یادداشت مترجم

کتاب اسلام و مبانی قدرت، تألیف علی عبدالرازق، متفکر مسلمان مصری، پژوهشی در باب خلافت و حکومت در اسلام است. به خاطر اینکه این کتاب میان خلافت و حکومت تفکیک قائل می‌شود، خلافت اسلامی را نفی می‌کند اماً حکومت را ضروری می‌داند که باید با روشاها و ملاکهای عقلاتی اداره شود، به مناقشات سیاسی دامن می‌زنند و به رویدادی مهم در تاریخ سیاسی مصر بدل می‌گردد.

به محض انتشار این کتاب سلسله واکنشهای بسیار تندي از جانب طیفهای سنتگرا، به تحریریک پادشاهی که در آن دوره سلطنت می‌کرد، برانگیخته می‌شود. در مطبوعات و مجلس مصر درباره نظرات علی عبدالرازق جدل و مناقشه گسترده‌ای برپا می‌شود. اغلب مفسران سیاسی عرب می‌گویند که این جدل شگفت‌آورترین مجادله جهان عرب در قرن بیستم است. در این جدل ملی‌گرایان ترقی خواه در کنار طیفهای سنتگرا قرار گرفته‌اند زیرا نظرات مؤلف را درک نمی‌کردنده یا تصور می‌کردنده که این نظرات رویارویی اصلی را که عبارت است از مبارزه علیه اشغالگران خارجی و پادشاه مستبد، منحرف می‌سازد. اماً لبرالها عناصری از نظرات علی عبدالرازق را به نفع توسعه سیاسی و اجتماعی مصر و کلاً کشورهای اسلامی ارزیابی و از آنها دفاع می‌کنند.

پیامد اعترافات و واکنشهای تندي نسبت به نظرات عبدالرازق این بود که، برای اولین بار، یک عالم و قاضی تربیت شده الازهر به خاطر عقايدش که با

عقاید سنتی رایج مغایرت داشت، به پای میز محاکمهٔ محکمہ شرع کشیده می‌شود. محکمہ شرع که متشکل از هیئتی از علمای کبار الازهر بود، پس از استماع سخنان او، در هفت مورد اتهام او را مجرم می‌شناسد و از عنوان «شیخ» و تمامی مناصب مربوط، عزل می‌کند. علی عبدالرازق درخواست تجدیدنظر می‌کند، اما تقاضایش رد می‌شود. بعدها دادگاه به او تخفیف می‌دهد، او را «مرتد» اعلام نمی‌کند، فقط به خلع لباس سنتی «شیخ» محکوم می‌کند.

سپس او به سکوتی تقریباً مطلق فرو می‌رود. در دوره‌ای به عنوان وکیل در دادگاه‌های شرع استخدام می‌شود، که این امر در نظام قضایی، سنتی تازه بود. تنها اثری که بعداً منتشر می‌کند، مجموعه‌ای از یادداشت‌ها دربارهٔ مفهوم اجماع بود. این یادداشت‌ها احتمالاً برای کتابی که هرگز تمام نشد، گردآوری شده بود.

بعد از فوت برادرش مصطفی در ۱۹۴۷، علی عبدالرازق به مناصب خود باز می‌گردد. ابتدا او به عنوان عضو مجلس علیا انتخاب می‌شود، سپس در کابینهٔ نقراشی در ۱۹۴۶، و پس از قتل وی، در کابینهٔ عبدالحاجی در ۱۹۴۷ به وزارت اوقاف منصوب می‌گردد. همچنین در ۱۹۴۶ از سوی شاه عنوان «پاشا» به او داده می‌شود. این تغییر رفتار اساسی نسبت به او، از یک طرف مدیون قدرشناصی از نقش برادر و به طور کلی خانواده‌اش بود و از طرف دیگر مدیون ملايم شدن طیفه‌ای محافظه‌کار در برخی تغییرات سیاسی که حزب مشروطه‌خواهان آزادیخواه را به قدرت یاز آورده.

پس از رأی محکمہ شرع علی عبدالرازق سکوت را تا لحظهٔ مرگش در ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۶ در سن ۷۸ سالگی ادامه می‌دهد. او در ۱۹۶۶ به روزنامه‌نگاری که اجازهٔ تجدید چاپ کتابش را از او درخواست می‌کند، سرخورده‌گی عمیق خود را بدون روی گردانیدن از عقایدش، ابراز می‌کند.

عبدالرازق با نظراتی که در کتابش مطرح می‌کند، که محور اصلی آن موضوع خلافت است، در میان متفسران مسلمان به عنوان پیشگام نظریهٔ جدایی دین از سیاست مطرح می‌شود. نفوذ دیدگاه‌های او در ذهنیت روشنفکران دینی عرب آنقدر زیاد بوده و هست که در هر پژوهش جدیدی در باب روابط بین اسلام و سیاست تأثیر اندیشه‌های او کاملاً مشهود است.

دیباچه

عبدالله فیلانی انصاری

چرا یک ترجمهٔ جدید؟

در میان مکتوبات عربی در این قرن اثر علی عبدالرازق جایگاهی استثنایی دارد. این اثر، به رغم حجم کم آن، از هر نظر فتح بابی بوده و به چالشی اساسی دامن زده است که تا امروز ادامه دارد، و همچنان به عنوان نقطهٔ عطف اندیشهٔ عربی - اسلامی در قرن بیستم تلقی می‌شود.

درک این مسئله تعجب آور بود که چنین متن مهمی، به رغم تعدد و تنوع گفتمانها دربارهٔ اسلام و پیامدهای سیاسی شان، به اندازهٔ کافی مورد توجه قرار نگرفته، و نظرات آن، که بر اندیشهٔ اسلامی همچنان تأثیر می‌گذارد، در حوزهٔ فرهنگی فرانسوی زبان تا این حد ناشناخته مانده است. لازم به ذکر است که این اثر پیش از این نیز توسط لویی برشه ترجمه و در «مجلهٔ مطالعات اسلامی» در ۱۹۳۵ - ۱۹۳۴ منتشر شده است. ولی این ترجمه، به خاطر انتخاب برخی اصطلاحات و «نحوهٔ بیان کلی»^۱ که به سبک مکتوبات کلامی (الهیاتی^۱) و حقوقی گذشته نزدیک است، از این اثر یک رسالهٔ سنتی فقهی ساخته است. در نتیجه این ترجمه موفق نمی‌شود چیزی را که نشان‌دهندهٔ اصالحت این اثر است، آشکار سازد،

1. théologique

چیزی که معاصرانش را به شدت متأثر ساخته است و بر خوانندگان عرب همچنان تأثیر بی نظیر می‌گذارد. ترجمة حاضر تلاش دارد که قابلیت و تازگی این اثر را – که اساساً از آن نوعی «بیانیه»^۱ برای دیدگاه تجدید حیات یافته اسلام و، در عین حال، زمینه گفت‌وگویی بی‌پرده با دیدگاه‌هایی را فراهم می‌آورد که توسط گفتمانهای معاصر ارائه شده است – نمایان سازد.

راست است که واژگان مورد استفاده در برخورد اول یادآور مکتبات علمای سنتی متقدم است: تکرارها فراوانند، نحوه استدلال به نظر پیچیده می‌آید، نقل قولها از قرآن و حدیث، که بسیار پرشمارند، در متن به عنوان پشتونه استدلال منظور شده‌اند. در عین حال وزن این اثر به شدت متفاوت از وزن [آثار] پدیدآورندگان غربی و پدیدآورندگان مدرن عرب است. با وجود این، در این متن نوآوریهای زیاد و مهمی وجود دارد، که همگی بیانگر عزم جزم برای اوچگیری بسیار زیاد است. همچنین قدرت خلاقه متفاوت، نوعی احساس خشم و غضب که در جای جای متن مشهود است، حس می‌شود.

ترجمة حاضر تلاش دارد که این وزن ویژه را با وفاداری کامل به قواعد نگارش فرانسوی منتقل کند. این ترجمه قصد دارد که احساس تعارض بین بیان سنتی و مضمونی را منتقل کند که با جست‌وجوی مضطربانه حقیقت، شور و شوق عظیم و اهتمام آشکار به صراحت [لهجه] مشخص شده است. با این حال عبارات بسیاری نشان‌دهنده عدم مهارت خاص در ارائه نمونه‌های^۲ متعدد مشابه، و تکرار مکراتی است که به نظر نمی‌رسد کوچکترین اختلاف جزئی داشته باشند.

تمامی این ویژگیها این اثر را دارای سبک نگارش خاصی کرده است که به واسطه آن بر خوانندگانش تأثیر گذاشته و همچنان می‌گذارد.